

# برآورد اثر تبعیض اقتصادی بین منطقه‌ای بر رشد اقتصادی استان‌های کشور

## Estimating Effect of Regional Economic Discriminations on States' Economic Growth in Iran

Morteza Ezzati (Ph.D.)\*, Leila Shahriyari\*\*,  
Mohaddese Najafi\*\*\*, Ali Shafiei\*\*\*\*

دکتر مرتضی عزتی\*، لیلا شهریاری\*\*،  
محدثه نجفی\*\*\*، علی شفیعی\*\*\*\*

Received: 1/July/2013 Accepted: 7/Sep/2013

دریافت: ۱۳۹۱/۱۱/۱۴ پذیرش: ۱۳۹۲/۷/۱۶

### Abstract:

In this paper we design an index for measuring regional discrimination and estimating regional economic discriminations effect on states' economic growth in Iran. We use panel data econometric method for the years 2000-2010. The conclusions indicate that positive discriminations for states that have high potential has negative effects on growth and production. But positive discriminations for states that have high needs has positive effects on growth and production.

**Keywords:** Economic Growth, Discriminations, Budget, Regional.

**JEL:** O23, H72, R12.

### چکیده:

این پژوهش با تدوین شاخص اندازه‌گیری تبعیض اقتصادی بین منطقه‌ای بر پایه نگاه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تلاش دارد اثر این تبعیض را بر رشد اقتصادی استان‌ها برآورد کند. داده‌های استانی سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۸ گردآوری و مدل رشد با روش داده‌های تابلویی اقتصادسنجی برآورد شده است. متغیر وابسته مدل، تولید ناخالص داخلی و رشد آن و متغیرهای توضیح‌دهنده مدل، موجودی سرمایه و نیروی کار استان بوده‌اند که شاخص تبعیض اقتصادی بین منطقه‌ای نیز به صورت شاخص ترکیبی تبعیض اقتصادی بین منطقه‌ای و نیز دو شاخص جداگانه تبعیض اقتصادی بین منطقه‌ای بر پایه ظرفیت و بر پایه نیاز وارد مدل شده و برآوردها انجام شده است. اصلی‌ترین نتایج آن است که تبعیض به سود استان‌های دارای ظرفیت‌ها بالا، بر اقتصاد و رشد اثر منفی دارد، اما تبعیض به سود استان‌هایی که نیازهای انسانی بیشتری دارند و برای رفع بیشتر نیازهای آنها، بر رشد اقتصادی اثر مثبت دارد.

**کلمات کلیدی:** رشد اقتصادی، تبعیض، منطقه‌ای، بودجه، ظرفیت، نیاز.

**طبقه‌بندی JEL:** O23, H72, R12.

\* استادیار اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول، این مقاله برگرفته از پژوهشی دانشگاهی است که با حمایت مالی صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران انجام شده است)

Email: mezzati@modares.ac.ir

\*\* دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس

Email: l\_shahryari\_67@yahoo.com

\*\*\* کارشناس ارشد دانشگاه تربیت مدرس

Email: eco.najafi@yahoo.com

\*\*\*\* کارشناس ارشد دانشگاه تربیت مدرس

Email: a.shafiei5@gmail.com

\* Assistant Professor of Economics, Tarbiyat Modarres University, Tehran, Iran, (Corresponding Author).

Email: mezzati@modares.ac.ir

\*\* M.A. Student in Economics Tarbiyat Modarres University, Tehran, Iran. Email: l\_shahryari\_67@yahoo.com

\*\*\* M.A. in Economics, Tarbiyat Modarres University, Tehran, Iran. Email: eco.najafi@yahoo.com

\*\*\*\* M.A. in Economics, Tarbiyat Modarres University, Tehran, Iran. Email: a.shafiei5@gmail.com

**۱. مقدمه**

یکی از دغدغه‌های اصلی نظام‌های ارزشی و مبتنی بر اعتقاد به ویژه اعتقاد مذهبی، اجرای عدالت و در جهت آن رفع تبعیض است. رفع تبعیض از آرمان‌های مقدس همه نظام‌های مردمی است، انقلاب اسلامی نیز از آغاز حرکت مردم، خواهان آن بوده و جمهوری اسلامی نیز در میثاق مشترک مردم یعنی قانون اساسی به تحقق آن تأکید کرده و آن را از وظایف نظام دانسته است. با وجود این، در ایران تاکنون پژوهشی انجام نشده است که بتواند شاخص‌هایی ارایه و اثر تبعیض اقتصادی بین منطقه‌ای بر پایه نگاه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را بر رشد اقتصادی برآورد کند. در جهان نیز توجه زیادی به موضوع تبعیض نبوده است و شاخص‌های اندکی در این زمینه در دسترس است و ادبیات ناچیزی در این زمینه وجود دارد. به ویژه نگاه پذیرفته شده‌ای به تبعیض بین منطقه‌ای اقتصادی وجود نداشته است. همچنین در نظریه‌های توسعه، دیدگاه‌های توانمندی در زمینه اثر تبعیض بر توسعه یافت نمی‌شود، با وجود این می‌توان دو نظریه کلاسیک رشد و توسعه انسانی را در این زمینه رقیب هم دانست. نظریه کلاسیک رشد، تقسیم کار و ظرفیت‌ها را عامل مهم رشد اقتصادی کشورها می‌داند و نظریه توسعه انسانی که بیشتر از سوی اقتصاددانان شرقی چون آمارتیا سن ارائه شده و گسترش داده می‌شود، رفع نشدن نیازهای پایه‌ای انسان‌ها را مانع توسعه می‌داند و رفع عادلانه آنها را عامل توسعه می‌شمرد. در این بررسی ما تلاش داریم اثر تبعیض اقتصادی بین منطقه‌ای و نیز دو شاخص تبعیض بر پایه ظرفیت و نیازهای اساسی را به صورت جداگانه و مقایسه‌ای بر روی رشد اقتصادی استان‌های کشور ارزیابی کنیم تا بتوان بر پایه آن پیامدهای عملکردها و سیاست‌های کشور در این زمینه را شناخت و راهکارهایی برای بهبود وضعیت و عملکردها در کشور ارائه کرد. در اینجا پایه نگاه به تبعیض اقتصادی بین منطقه‌ای، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است.

در این نوشتار پس از مقدمه، نخست اشاره به ادبیات نظری، سپس مدل و متغیرهای آن و در پی آن برآورد مدل و

در پایان جمع‌بندی ارائه می‌شود.

**۲. اشاره به ادبیات نظری**

در اینجا اشاره کوتاهی به چند نکته نظری در زمینه موضوع داریم. نخست به دسته‌بندی‌های تبعیض، سپس پیشینه نظریه‌های رشد اقتصادی و ساز و کار اثرگذاری تبعیض بر رشد اقتصادی و در پایان به بررسی‌های تجربی درباره تبعیض و اثر آن اشاره می‌کنیم.

**۱.۲. دسته‌بندی‌های تبعیض**

نوشته‌ها و پژوهش‌های در دسترس و به روز در جهان درباره تبعیض، بیشتر به تبعیض فردی بین انسان‌ها پرداخته‌اند. در این زمینه، نوشته علمی مستندی درباره تبعیض بین منطقه‌ای با مفهومی که ما در پی بررسی آن هستیم یافت نمی‌شود. یکی از علت‌های آن کارکردهای مستقل مناطق در کشورهای پیشرفته و وجود معیارها و ملاک‌های پذیرفته شده برای تخصیص امکانات ملی به مناطق در این کشورها است. علت دیگر توانایی مناطق برای بازیابی حقوق خود در این زمینه است. شاید بتوان گفت به این علت‌ها، بررسی‌های تبعیض، بیشتر در زمینه تبعیض بین فردی گسترش یافته‌اند. نگاهی به جنبه‌های این تبعیض‌ها می‌کنیم. تبعیض بین فردی با رویکردهای گوناگون دسته‌بندی شده است. در اینجا برای روشن‌تر شدن موضوع تبعیض، ۵ رویکرد اصلی برای دسته‌بندی تبعیض ارائه می‌کنیم که کمک می‌کند تبعیض را بهتر بشناسیم.

**الف. رویکرد دسته‌بندی گونه‌های تبعیض**

بر پایه این رویکرد به دسته‌بندی تبعیض، تبعیض به دو گونه شکل می‌گیرد: یکی تبعیض مستقیم که در آن یک فرد و یا گروه از دیگران جدا می‌شود و برای دادن حق او شرطی و یا حالتی به کار گرفته می‌شود و دیگری تبعیض غیر مستقیم است که یک فرد و یا گروه از دیگران جدا می‌شود و برای دادن حق او شرطی و یا حالتی که برای همه به کار گرفته می‌شود برای او به کار گرفته نمی‌شود (استثنا می‌شود). این دسته‌بندی می‌تواند برای استان‌ها یا

## ۲.۲. پیشینه نظریه‌های رشد اقتصادی

در زمینه عوامل رشد اقتصادی نظریه‌هایی ارائه شده است که می‌توان آنها را به سه گروه نظریه‌های رشد کلاسیک، نظریه‌های رشد نئوکلاسیک و نظریه‌های رشد درون‌زا دسته‌بندی کرد. دیوید هیوم و آدام اسمیت پیشگامان نظریه پردازی رشد در مکتب کلاسیک هستند. در اندیشه آدام اسمیت تخصصی شدن و تقسیم نیروی کار موتور رشد است. همچنین اقتصاددانان کلاسیک بر این باور بودند که منابع طبیعی محدودیت اصلی فرصت‌های رشد است.

نظریه‌های نئوکلاسیکی پیشرفت تکنولوژی را عامل برون‌زا و انباشت سرمایه را عامل درون‌زای رشد تولید در نظر می‌گیرند. دیدگاه نئوکلاسیک نظریه رشد در دهه ۱۹۵۰ از سوی سولو<sup>۱</sup> (۱۹۵۶) و سوان<sup>۲</sup> (۱۹۵۶) ارائه شد. ویژگی پایه‌ای مدل سولو - سوان شکل تابع تولید است. فرض‌های این تابع، بازدهی ثابت به مقیاس، بازدهی نزولی برای هر نهاده و کشش جانشینی مثبت بین نهاده‌های تولید هستند. تابع تولید نئوکلاسیک با نرخ ثابت پس‌انداز همراه می‌شود تا یک مدل ساده تعادل عمومی بنا شود. از دیگر اقتصاددان‌هایی که در این زمینه کار کرده‌اند می‌توان آبراموویتز<sup>۳</sup> (۱۹۵۹) و چنری<sup>۴</sup> (۱۹۸۶) را نام برد.

دسته دیگر نظریه‌های رشد، با نام رشد درون‌زا شناخته می‌شود. نظریه رشد درون‌زا که بر پایه پژوهش‌های نظری و تجربی دهه ۱۹۸۰ ارائه شده است، فرضیه‌های کلاسیک و نئوکلاسیک درباره بازارهای ایده‌آل و بازده نزولی عوامل به ویژه درباره سرمایه را رد می‌کند. اندیشمندان اصلی در این دسته، ارو<sup>۵</sup> (۱۹۶۲)، رومر<sup>۶</sup> (۱۹۸۶)، لوکاس<sup>۷</sup> (۱۹۸۸)، گروسمن<sup>۸</sup> (۱۹۸۷) و هلپمن<sup>۹</sup> (۱۹۹۸) هستند. ایشان و دیگران،

مناطق هم به کار رود. مانند اینکه استان یا استان‌هایی از دیگر استان‌ها جدا شود و به آن امکانات کمتر یا بیشتر از حقیقت داده شود.

## ب. رویکرد دسته‌بندی زمینه‌های تبعیض

تبعیض به ویژه تبعیض بین فردی در نوشته‌ها و بررسی‌های علمی، در چند زمینه بیشتر به چشم می‌خورد. مهم‌ترین این زمینه‌ها چنین هستند: تبعیض جنسیتی، تبعیض نژادی، تبعیض اعتقادی، تبعیض بر پایه ویژگی‌های خانوادگی، تبعیض ناتوانی، تبعیض سنی و تبعیض برای پیگیری مزایای کاری در زمان کار (اشتغال). هر چند همه اینها می‌توانند زمینه تبعیض باشند، اما تبعیض بین استانی بیشتر در زمینه‌های نژادی (قومی و زبانی)، اعتقادی و مانند اینها شکل می‌گیرد.

## ج. رویکرد دسته‌بندی فضای تبعیض

فضاها یا به سخن دیگر آن چیزی که افراد و یا گروه‌ها برای برخورداری از آن تبعیض می‌شوند بیشتر فضاهای زیر هستند: تبعیض در به کارگیری یا استخدام و اشتغال، پرداخت دستمزد و حقوق دیگر، آموزش، ثبت‌نام در انجمن‌ها، باشگاه‌ها و مانند اینها، دسترسی به کالاها و خدمات عمومی، تخصصی، تملک دارایی، فروش و مانند اینها و جای منزل و اقامت. تبعیض بین استانی در تخصیص امکانات و خدمات عمومی و مانند آن به استان‌ها (که فضای تبعیض قانون اساسی است) نیز رخ می‌دهد.

## د. رویکرد دسته‌بندی جنبه‌های تبعیض

تبعیض از چهار جنبه اندازه‌گیری می‌شود: تفاوت پیامد، ایراد عمل (تبعیض)، علیت ربط داده شده به یک تبعیض (که بر پایه جمعیت در معرض خطر تبعیض تعریف می‌شود) و فرق‌گذاری بدون توجیه.

## هـ. رویکرد دسته‌بندی روش اندازه‌گیری تبعیض

اندازه‌گیری تبعیض با سه رویکرد اصلی انجام می‌شود: اندازه‌گیری نگرش مردم درباره وجود و اندازه تبعیض در جامعه، اندازه‌گیری تبعیض رخ داده در جامعه و اندازه‌گیری مبارزه با تبعیض در جامعه (عزتی، ۱۳۹۱: ص ۱۲-۱۴).

1. Solow (1956)
2. Sowan (1956)
3. Abramovitz (1959)
4. Chenery (1986)
5. Arrow (1962)
6. Romer (1986)
7. Lucas (1988)
8. Grossman (1987)
9. Helpman (1998)



درون‌زا باز می‌گردد.

نظریه‌های رشد سنتی سرمایه‌گذاری را عاملی برای رشد اقتصادی می‌دانند. تخصیص امکانات و منابع ملی به برخی استان‌ها موجب بهبود سرمایه‌های زیربنایی در این استان‌ها و در نتیجه رشد اقتصادی آنها می‌شود. در برابر این چنانچه به علت تبعیض سرمایه و امکانات به منطقه‌ای کمتر تخصیص پیدا کند رشد آن منطقه نیز کاهش می‌یابد. اما آنچه در اینجا بیشتر مورد توجه است اینکه تبعیض می‌تواند افزون بر اثر سرمایه‌گذاری و تزریق پول، بر پایه نظریه حکمرانی و سرمایه اجتماعی بر روی رشد و توسعه جامعه اثر بگذارد.

از ویژگی‌های حکمرانی خوب اجرای سیاست‌های عادلانه، کارآمد و به دور از تبعیض، حاکمیت قانون و برابری همگانی، بی‌طرفی دولت و مانند اینها است. بر پایه دیدگاه‌های نظری موجود، تبعیض موجب بروز نابسامانی‌های گوناگون، آسیب‌های اجتماعی و افزایش فاصله بین افراد جامعه می‌شود. تبعیض با این اثر، اعتماد به حکمرانان را کاهش می‌دهد و پیوندهای بین مردم و حکمرانان و مردم با مردم را می‌گسند. تبعیض با ایجاد نارضایتی اجتماعی و اقتصادی می‌تواند موجب نارضایتی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و در نتیجه ناآرامی شود. گسست اعتمادها، پیوندهای اجتماعی و سرمایه اجتماعی را کاهش می‌دهد و موجب کاهش رشد اقتصادی می‌شود (سازمان جهانی کار، ۲۰۰۷: ص ۶-۲).

بر پایه برخی بررسی‌ها نابرابری و تبعیض از جمله اصلی‌ترین عوامل تعیین‌کننده اعتماد اجتماعی است (شارع پور، ۱۳۸۵: ص ۵۴).

الوانی و شیروانی (۱۳۸۳: ص ۲۲-۱۶) در بررسی خود بر این نکته تأکید می‌کنند که شاید مهم‌ترین بعد کیفیت بخش دولتی، رفتار مناسب و عادلانه باشد. یکی از عوامل از میان رفتن سرمایه اجتماعی، رفتار ناعادلانه سازمان‌های دولتی با مردم است.

دینی ترکمانی (۱۳۸۵، ص ۱۴۷) نیز ریشه کاهش سرمایه اجتماعی در ایران را بیش از عوامل فرهنگی و اقتصادی، دولت و ضعف‌های آن می‌داند.

عواملی همچون بازده فزاینده پژوهش و توسعه و انتقال دانش و اطلاعات، فرآیند یادگیری از راه تجربه، پراکندگی فناوری، سرمایه اجتماعی، مذهب و دیگر متغیرها را از عواملی می‌دانند که بر روی رشد اقتصادی اثر می‌گذارند. بر این پایه مدل‌های رشد اقتصادی در گذر زمان از یانگ<sup>۱</sup>، هارود دومار<sup>۲</sup>، سولو-سوان، کالدور<sup>۳</sup>، ارو، رومر و لوکاس تا سده ۲۱ دگرگونی‌های بسیاری از دیدگاه نهاده‌های اثرگذار بر رشد، درون‌زایی و برون‌زایی متغیرهایی مانند سرمایه انسانی، نوع تابع تولید، فزاینده یا کاهنده بودن اثر نهاده‌ها، تعریف سرمایه و جداسازی آن به سرمایه فیزیکی و انسانی و متغیرهای سیاسی داشته است.<sup>۴</sup>

### ۳.۲. اثرگذاری تبعیض بر رشد اقتصادی

سیاست‌ها و برنامه‌های دولت‌ها به شکل‌های گوناگون بر جامعه و روند تحولات آن اثر دارد. از جنبه مالی دولت‌ها درآمدهایی دارند که در جامعه به دست می‌آورند و درآمدهای خود را در جامعه هزینه می‌کنند. این درآمدها و هزینه‌ها می‌تواند به شکل‌های گوناگون بر جامعه اثر بگذارد. از دیدگاه اقتصادی، دولتی خوب است که بتواند این درآمدها و هزینه‌ها را به شکلی سامان بدهد که زمینه‌های رشد، رفاه و توسعه جامعه را به بهترین شکل فراهم کند.

بر پایه نظریه‌های رشد جدید چگونگی حکمرانی در زمینه‌های مختلف بر توسعه اثر می‌گذارد. بخشی از اثرگذاری حکمرانی در چارچوب تصمیم‌گیری و اجرای سیاست‌های مالی در بخش هزینه‌های دولت است. می‌توان اثرگذاری این هزینه‌ها را در دو بخش جدا کرد. یکی از اثرگذاری تزریق پول در چارچوب هزینه‌های سرمایه‌گذاری و جاری که به ساز و کارهای نظریه‌های رشد سنتی باز می‌گردد و دیگری در چارچوب چگونگی و کیفیت این هزینه‌ها است که در اینجا در چارچوب تبعیض وارد تحلیل می‌کنیم و به نظریه‌های رشد

1. Young
2. Harrod Domar
3. Kaldor

۴. برای آشنایی با این نظریه‌ها مراجعه شود به: گرجی و مدنی (۱۳۸۸)

تخصیص بر پایه استعدادها و ظرفیت‌ها انجام نشود می‌تواند موجب کاهش رشد اقتصادی مناطق را فراهم آورد.

با این توضیح، منطقه‌ای که بر روی آن تبعیض مستقیم انجام شود، با رشد اقتصادی کمتر مواجه می‌شود و منطقه‌ای که بر روی آن تبعیض اقتصادی غیر مستقیم رخ دهد، می‌تواند امکانات بهتری را برای رشد داشته باشد. البته شرایط بازدهی به مقیاس و بهره‌وری نهایی نیز می‌تواند در زمینه اثر گذاری اینها بر رشد شرایط و موقعیت‌ها را تغییر دهد. به این معنا که اگر به استانی بیش از ظرفیتش امکانات و سرمایه تخصیص داده شود می‌تواند موجب ناکارایی سرمایه در آن استان شود و رشد آن را کاهش دهد.

#### ۴.۲. بررسی‌های تجربی درباره تبعیض و اثرهای آن

درباره شاخص‌های تبعیض در جهان، پژوهش‌های بسیاری انجام شده است. مهم‌ترین کار انجام شده شاخص‌های پیوست شاخص توسعه انسانی درباره تبعیض جنسیتی و شاخص‌های سازمان کشورهای توسعه یافته (OECD) است. شاید بتوان گفت این شاخص‌ها نشان دهنده کاربردی‌ترین گونه تبعیض است که در بررسی‌ها و همچنین گزارش‌های سالیانه سازمان ملل با نام گزارش توسعه انسانی و گزارش‌های سازمان کشورهای توسعه یافته آورده می‌شود و برای آن شاخص تعریف شده است. در گزارش توسعه انسانی، توسعه جنسیتی در سه بعد بهداشت، باروری، توانمندسازی و بازار کار با پنج شاخص: مرگ و میر مادران، باروری نوجوانان، پیشرفت تحصیلی (در سطح متوسطه و بالاتر)، نمایندگی مجلس ملی و مشارکت در نیروی کار نشان داده می‌شود. در ایران نیز در زمینه تبعیض و اثرهای تبعیض بررسی‌هایی انجام شده است. می‌توان این بررسی‌ها را دو دسته کرد: برخی از آنها به وجود تبعیض و اندازه‌گیری آن پرداخته‌اند و برخی نیز اثر تبعیض را بر روی برخی متغیرهای دیگر بررسی کرده‌اند.

۱. بیشتر بررسی‌های دسته نخست، به بررسی تبعیض جنسیتی پرداخته‌اند. می‌توان از مطالعات احمدوند (۱۳۸۳)، براتی‌نیا

هنگامی که در افراد جامعه احساس تبعیض به وجود آید، آنان از تبعیض‌کننده ناراضی خواهند شد و ممکن است بر علیه او اقداماتی انجام دهند. همچنین این تبعیض می‌تواند منجر به نارضایتی شغلی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بشود. نارضایتی عاملی برای بروز ناهنجاری‌های اجتماعی و اقتصادی است که اعتماد و سرمایه اجتماعی را کاهش می‌دهد.

بورديو<sup>۱</sup> (۲۰۰۳)، پوتنام<sup>۲</sup> (۲۰۰۲) و اندیشمندان دیگر درباره اثرگذاری نابرابری، عدالت و تبعیض بر اعتماد اجتماعی و پیشرفت جامعه نظرات گسترده‌ای ارائه کرده‌اند. سرمایه اجتماعی به عنوان یک عامل مهم، بسیاری از زمینه‌های لازم برای پیشرفت را فراهم می‌کند.

بر این پایه، تبعیض بر روی ذهنیت و باورهای مردم و در نتیجه سرمایه اجتماعی اثر منفی دارد و چنانچه یاد شد بر پایه نظریه‌ها و مدل‌های رشد اقتصادی، سرمایه اجتماعی از عوامل مهم اثر گذار بر رشد اقتصادی در نظریه‌های رشد درون‌زا است. بر این اساس، وجود تبعیض در کشور به ویژه تبعیض علیه مناطق (استان‌های) خاصی می‌تواند موجب کاهش سرمایه اجتماعی در این مناطق (استان‌ها) شود و پیامد آن کاهش رشد اقتصادی این استان‌ها است. مدل‌های رشد درون‌زا افزون بر اینکه متغیرهای مدل‌های رشد سنتی نیوکلاسیک را دارند متغیرهای جدیدی مانند سرمایه اجتماعی و مانند اینها را نیز در بر می‌گیرند. همچنین تبعیض می‌تواند ناآرامی‌های اجتماعی و اقتصادی و در پی آن ناپایداری اقتصادی ایجاد کند که سرمایه‌گذاری و دیگر فعالیت‌های اقتصادی را کاهش می‌دهد و در پی اینها رشد اقتصادی کاهش می‌یابد.

افزون بر اینها بر پایه مدل‌های رشد درون‌زا هزینه‌های دولت نیز یکی از عواملی است که می‌تواند از راه تزریق پول به اقتصاد موجب افزایش تقاضا و در نتیجه تولید و رشد اقتصادی را فراهم کند. تبعیض در تخصیص بودجه و امکانات مالی و منابع ملی در قالب بودجه دولت می‌تواند از این راه نیز به بهبود رشد و توسعه مناطق بیانجامد و در صورتی که این

1. Pierre Bourdieu  
2. Robert Putnam





صیدایی، احمدی شاپور آبادی و معین آبادی (۱۳۸۸)، درباره اثر تبعیض بر سرمایه اجتماعی و اعتماد اجتماعی به پژوهش سردارنیا، قدرتی و اسلام (۱۳۸۸)، درباره اثر تبعیض سنی بر مشارکت جوانان در امور به پژوهش کاظمی و آهوئی (۱۳۸۷) و درباره اثر تبعیض و فقر بر توسعه اجتماعی زنان ایران به پژوهش نصیری (۱۳۸۴) و مانند اینها اشاره کرد.

برخی بررسی‌ها در کشورهای دیگر نیز اثر تبعیض بر برخی متغیرهای اقتصادی را اندازه‌گیری کرده‌اند. شاید بتوان گفت کتاب اقتصاد تبعیض نوشته گری بکر<sup>۴</sup> (۱۹۵۷) نخستین تحلیل اقتصادی توانمند درباره تبعیض اجتماعی است که منتشر شده است. بکر در این کتاب رابطه بین تبعیض نژادی در میان سفید پوستان و تبعیض علیه اقلیت‌های نژادی در یک مدل رقابتی را در بازار کار تجزیه و تحلیل کرده است. او در مدل‌ها، تأثیر ورود ترجیحات نژادی را در میان مشتریان، کارگران و کارفرمایان روی دستمزدهای نسبی سیاه پوستان تحلیل کرده است. پس از کار بکر، بررسی‌های اقتصاددانان درباره تبعیض، گسترش یافت.

مسنر<sup>۵</sup> (۱۹۸۹) در پژوهشی بر پایه نظریه پیتربلو، با داده‌های بین کشوری و به کارگیری روش رگرسیون، اثر تبعیض اقتصادی علیه گروه‌های اجتماعی را بر اندازه کشتار رخ داده (قتل) در کشورهای مختلف بررسی کرده است. بررسی وی این فرضیه را که تبعیض در جامعه موجب می‌شود نابرابری درآمد و جرم‌هایی مانند قتل افزایش یابد آزمون و تأیید می‌کند.

آلسینا و لفرثرا (۲۰۰۰) با بررسی اثر نابرابری‌های اجتماعی بر اعتماد و سرمایه اجتماعی در ایالت‌های آمریکا به این نتیجه رسیده‌اند که در بین ایالت‌های آمریکا سرمایه اجتماعی به شدت با نابرابری رابطه دارد (به نقل از شارع پور، ۱۳۸۵، ص ۵۴).

چارلز و گوریان<sup>۶</sup> (۲۰۰۷) در بررسی پیرامون رابطه بین

(۱۳۷۹)، فکوهی (۱۳۸۴)، سلیمانی (۱۳۸۶)، موثقی و اسفندیاری (۱۳۸۷)، جعفری (۱۳۸۸) و آقاجانی (۱۳۸۹) یاد کرد که بیشتر به وجود و تحلیل تبعیض جنسیتی در ایران از فضاهای اشتغال، پرداخت حقوق و دستمزد، تأمین اجتماعی و مزایای دیگر همچون اینها پرداخته‌اند.

همچنین در این دسته درباره حقوق اقلیت‌ها و تبعیض‌های نژادی، قومی، مذهبی و مانند اینها درباره اقلیت‌ها نیز پژوهش‌های کم شماری انجام شده است، همچون کارهای محمودی (۱۳۸۸) و شریفی طرازکوهی و قره‌باقی (۱۳۸۹) که بیشتر زمینه حقوقی دارند.

در کشورهای دیگر بررسی‌های گسترده‌تری درباره تبعیض در دسترس است. بیشتر این بررسی‌ها به اندازه‌گیری تبعیض پرداخته‌اند، اما چند نوشته جامع‌تر از سوی برخی نهادها چاپ شده است که گستره مباحث اندازه‌گیری‌ها را در بر دارد گزارش اندازه‌گیری مشترک تبعیض (کریستوفر بادس<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶) که از سوی شماری از پژوهشگران چند کشور اروپایی و با پشتیبانی مالی برنامه مبارزه با تبعیض اتحادیه اروپا تهیه شده است، در بر گیرنده گزارش خوبی از روش‌های اندازه‌گیری و جنبه‌های گوناگون تبعیض است. همچنین هند بوک جامعه اروپا در زمینه داده‌های نابرابری<sup>۲</sup> (۲۰۰۷) و گزارش تبعیض در اتحادیه اروپا<sup>۳</sup> (۲۰۰۸) داده‌های شاخص‌های مختلف تبعیض در کشورهای اتحادیه اروپا را چاپ کرده‌اند. بیشتر این نوشته‌ها که درباره روش‌ها و شاخص‌های سنجش تبعیض است و نوشته‌های بسیار دیگری که در دسترس است، درباره تبعیض بین فردی است.

۲. بررسی‌ها درباره اثر تبعیض بر سایر متغیرها را به دو دسته: بررسی‌های اثر تبعیض بر متغیرهای اقتصادی و اجتماعی و اثر تبعیض بر رشد اقتصادی جدا می‌کنیم.

درباره دسته نخست در کشور بررسی‌هایی انجام شده است. می‌توان درباره اثر تبعیض بر سرمایه اجتماعی به پژوهش

4. Becker (1957)  
5. Messner (1989)  
6. Charles and Guryan (2007)

1. Christoffer Badse (2006)  
2. European Communities (2008)  
3. Eurobarometer.

جدید تبعیض اقتصادی بر اقلیت را وارد الگوهای تروریسم داخلی کرده است و تحلیل می‌کند که تبعیض اقتصادی علیه اقلیت موجب افزایش تروریسم داخلی می‌شود و تروریسم داخلی سطح کلی توسعه اقتصادی را کاهش می‌دهد.

انور علم<sup>۴</sup> (۲۰۱۱) در بررسی اثر تبعیض جنسیتی بر توسعه و کاهش فقر در پاکستان نشان می‌دهد که نابرابری‌های جنسیتی موجود در مناطق در بسیاری از زمینه‌ها بر فقر و توسعه اثر گذاشته است.

در زمینه دسته دوم این بررسی‌ها در ایران، هیچ پژوهشی در دسترس نیست که در پی بررسی تبعیض بین منطقه‌ای و نیز اثر تبعیض بر رشد اقتصادی بوده باشد. همچنین در کشورهای دیگر نیز پژوهش‌های گسترده‌ای در این زمینه مشاهده نمی‌شود به بررسی‌های محدودی که (درباره اثر تبعیض بر رشد اقتصادی) در دسترس است اشاره می‌کنیم.

دالر و گاتی<sup>۵</sup> (۱۹۹۹) اثر نابرابری جنسیتی را بر درآمد و رشد کشورها بررسی کرده‌اند. یافته‌های آنها نشان می‌دهد که زنان در کشورهای در حال توسعه از کشورهای توسعه یافته فقیرتر هستند. همچنین در کشورهای در حال توسعه آموزش دختران نسبت به پسران و سرمایه‌گذاری در سلامت زنان نسبت به مردان کمتر است. حقوق قانونی زنان در سیاست، اقتصاد و ازدواج، پایین‌تر از حقوق مردان است. نابرابری جنسیتی در آموزش و پرورش بر رشد اقتصادی اثر بد دارد و کشورهایی که در امور دختران کم سرمایه‌گذاری می‌کنند، هزینه آن را در درآمد و رشد اقتصادی کمتر می‌پردازند.

کلاسن<sup>۶</sup> (۱۹۹۹) اثر نابرابری جنسیتی در آموزش و پرورش و اشتغال را بر رشد و توسعه با رگرسیون داده‌های پانل بین‌کشوری بررسی کرده است. یافته‌ها نشان می‌دهد نابرابری جنسیتی در آموزش با کاهش کیفیت سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی اثر منفی دارد. همچنین نابرابری جنسیتی بر سرمایه‌گذاری و رشد جمعیت و در پی آن (غیر مستقیم) بر

تعصب نژادی و شکاف دستمزد بر پایه مدل تبعیض کارفرمای بکر در ایالات متحده (با استفاده از اطلاعات حاصل از نظر سنجی عمومی اجتماعی تبعیض نژادی) فرضیه‌های پایه‌ای بکر درباره رابطه تعصب نژادی و شکاف دستمزد را تأیید کرده‌اند و نشان داده‌اند که در بلند مدت نسبت دستمزد سفید پوستان به دستمزد سیاه پوستان کاهش می‌یابد. برآوردهای آنها نشان می‌دهد یک چهارم از شکاف دستمزد نژادی به علت تعصب نژادی است.

الن و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۰۱) اثر ادراک تبعیض بر رضایت شغلی، تعهد سازمانی، رفتار شهروندی سازمانی و شکایت را بررسی کرده‌اند. این بررسی بر روی ۳۶۶ نفر از کارکنان با قومیت‌های گوناگون درباره چگونگی درک تبعیض بر روی خود از سوی سرپرستان، همکاران و سازمان انجام شده است و اثر تبعیض درک شده بر نگرش‌ها و رفتارشان را ارزیابی کرده‌اند. نتایج نشان می‌دهد تبعیض درک شده از سوی هر سه منبع بر متغیرهای وابسته تعهد سازمانی، رضایت شغلی و رفتار شهروندی سازمانی اثر داشته است، اما این درک تبعیض با شکایت رابطه معنادار نداشته است.

اوزر و گونلاک<sup>۲</sup> (۲۰۱۰) رابطه بین احساس تبعیض، رضایت شغلی و قصد ترک شغل را در شرکت‌های حسابداری عمومی در ترکیه بررسی کرده‌اند. داده‌های این بررسی از نظرسنجی بر روی ۶۰۰ نمونه تصادفی از حسابداران حرفه‌ای ترکیه به دست آمده است. در این بررسی تبعیض با احساس عدالت از تصمیم‌گیری‌ها درباره دستمزد سنجیده شده است. نتایج نشان داده است که احساس تبعیض بر قصد ترک شغل، اثر مثبت و بر رضایت شغلی اثر منفی دارد و رضایت شغلی بر قصد ترک شغل اثر منفی دارد.

پیازا<sup>۳</sup> (۲۰۱۱) در بررسی فقر، تبعیض اقتصادی روی اقلیت و تروریسم داخلی، با تحلیل علت اینکه بررسی‌های تجربی نتوانسته‌اند رابطه بین فقر و تروریسم را توجیه کنند، عامل

4. Alam, Anwar (2011)  
5. Dollar and Gatti (1999)  
6. Klasen (1999)

1. Ellen et al. (2001)  
2. Özer and Günlük (2010)  
3. Piazza (2011)



انواع نابسامانی‌ها، آسیب‌های اجتماعی و فاصله اجتماعی بین افراد جامعه را افزایش می‌دهد و پیوندهای اجتماعی و هنجارهای مشترک را کاهش می‌دهد که در پی اینها، سرمایه اجتماعی کاهش می‌یابد. پایین بودن سرمایه اجتماعی، توانایی جامعه را برای رسیدن به توسعه اجتماعی پایدار و برپایی عدالت کاهش می‌دهد. تبعیض انسان‌ها را با دارا بودن شایستگی و تنها برای رنگ یا جنس و یا خاستگاه اجتماعی از دستیابی به برخی مشاغل، باز می‌دارد و باعث نابرابری و نارضایتی اجتماعی و اقتصادی می‌شود که خود، منجر به ناکارآمدی می‌شود. نابرابری‌های گسترده در درآمدها، دارایی‌ها و فرصت‌ها، اثر مبارزه با تبعیض را کاهش می‌دهد و می‌تواند نآرامی‌های سیاسی و اجتماعی ایجاد کند و در پی آن سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی کاهش یابد.

### ۳. مدل و متغیرهای آن

الگوی مورد استفاده در این پژوهش برای بررسی اثر تبعیض اقتصادی بین استانی بر رشد اقتصادی بر پایه الگوهای رشد اقتصادی درون‌زا استوار است. چارچوب الگو بر اساس مدل کلی رشد تابعی از دو متغیر اصلی سرمایه و کار است که در همه نظریه‌های رشد به آن تأکید شده است. با این تفاوت که در الگوی حاضر متغیر افزوده شده به دو متغیر کار و سرمایه، یک متغیر درون‌زا شامل چندین بخش است. در اینجا متغیر نشان دهنده اندازه تبعیض اقتصادی بین استانی در برگیرنده دوازده بخش است که در معرفی شاخص تبعیض یاد می‌شود. متغیر تبعیض اقتصادی بین استانی، نخست با عنوان یک متغیر وارد مدل می‌شود و سپس هر یک از دو شاخص تبعیض بر پایه نیاز و تبعیض بر پایه ظرفیت به صورت جداگانه و همراه هم وارد الگو و تحلیل می‌شوند.

رابطه نشان دهنده مدل رشدی که ما به کار می‌گیریم، مانند بسیاری از پژوهش‌هایی که درباره رشد اقتصادی و عوامل اثرگذار بر آن انجام شده است، به شکل زیر است.

$$y = c + \alpha K_{ii} + \lambda L_{ii} + \beta M_{ii}$$

رشد اقتصادی اثر می‌گذارد.

استیو ولارت<sup>۱</sup> (۲۰۰۴) در یک بررسی گسترده رابطه تبعیض جنسیتی و رشد را با ۳ گزینه در کشور هند ارزیابی می‌کند. این بررسی با رگرسیون بر روی داده‌های پانل ایالت‌های هند در سال‌های ۱۹۹۱-۱۹۶۱ انجام شده است. در این بررسی با توسعه الگوی نظری، پیامدهای اقتصادی تبعیض جنسیتی در بازار کار بررسی شده است.

در گزینه نخست، تعادل بازار کار بدون تبعیض، تجزیه و تحلیل می‌شود. در گزینه دوم، تبعیض جنسیتی به عنوان محرومیت برونزای زنان از پست‌های مدیریتی، متغیر اصلی است. مدل نشان می‌دهد که چگونه این عمل تبعیض آمیز بر بازار کار، تعادل نرخ دستمزد، تخصیص استعداد در موقعیت‌های کاری مدیریتی، سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش (مرد و زن) و رشد اقتصادی اثر می‌گذارد. یافته‌ها نشان می‌دهد تبعیض، دستمزد تعادلی کارگران زن و مرد را پایین می‌آورد و سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی زنان و مردان را کاهش می‌دهد. همچنین استعداد متوسط مدیران کمتر می‌شود، نوآوری در اقتصاد را کاهش می‌دهد و بهره‌وری کارگران و پذیرش تکنولوژی را بسیار کاهش می‌دهد که همه رشد اقتصادی را کاهش می‌دهند.

در گزینه سوم، تبعیض جنسیتی به عنوان محرومیت زنان از بازار کار وارد مدل می‌شود. در این مدل زنان تنها می‌توانند در فعالیت تولیدی خانه همکاری کنند. یافته‌ها نشان می‌دهد در این مدل نرخ دستمزد تعادلی و از این رو، استعداد و بهره‌وری مانند حالتی است که هیچ تبعیضی وجود ندارد. اما در این نوع تبعیض نیز سرانه تولید ملی پایین‌تر از حالت بدون تبعیض است، بهره‌وری تولید درون‌خانه پایین‌تر از بهره‌وری تولید بیرون‌خانه است و رشد اقتصادی نیز کمتر است.

گزارش سازمان جهانی کار<sup>۲</sup> (۲۰۰۷) درباره اصول اساسی حقوق در محل کار، بیان می‌کند که وجود تبعیض و نابرابری،

1. Berta Esteve-Volart (2004)

2. Global Report under the follow-up to the ILO Declaration on Fundamental Principles and Rights (2007)



که در آن  $Y$  ارزش تولید ناخالص داخلی،  $M$  شاخص تبعیض اقتصادی بین استانی،  $L$  نیروی کار و  $K$  موجودی سرمایه استان است. برای نشان دادن رشد تولید ناخالص داخلی در مدل، لگاریتم آن ( $Y$ ) را وارد مدل می‌کنیم. در اینجا متغیرهای مدل و چگونگی اندازه‌گیری آنها را توضیح می‌دهیم.

### ۱.۳. متغیر ارزش تولید ناخالص داخلی

در این بررسی متغیر ارزش تولید ناخالص داخلی، از داده‌های پایگاه اطلاعات مرکز آمار ایران به دست می‌آید.

### ۲.۳. شاخص تبعیض اقتصادی بین منطقه‌ای در نگاه قانون

#### اساسی

اگر به آنچه در قانون اساسی درباره تبعیض آورده شده است نگاه کنیم می‌بینیم که قانون اساسی از این کلمه ۳ بار کمک گرفته است که دو بار آن به تبعیض بین منطقه‌ای پرداخته است. یکی از این دو بار هم به روشنی تبعیض بین استانی اقتصادی را هدف گرفته است. اما از نظر مفهوم، چون مفهوم تبعیض، برخی را از برخی دیگر جدا کردن و برخی را بر برخی ترجیح دادن است و این جدا کردن و ترجیح دادن خود به خود کار ناپسندی نیست، باید روشن کرد که پس چه جای اشکالی دارد. در اصل ۳ قانون اساسی در پسوند تبعیض، کلمه ناروا آورده شده است. به معنی آنکه جداسازی ناروا و یا ترجیح ناروا، نادرست است. پس اگر ترجیح و جداسازی روا باشد می‌تواند درست باشد و تبعیض به معنای بی عدالتی نباشد. اما چه چیزی ملاک ناروا بودن است؟ در اصل ۴۸ به روشنی آورده شده است که در بهره‌برداری از منابع طبیعی و استفاده از درآمدهای ملی در سطح استان‌ها و توزیع فعالیت‌های اقتصادی میان استان‌ها و مناطق مختلف کشور، باید تبعیض در کار نباشد. به طوری که هر منطقه فراخور نیازها و استعداد رشد خود، سرمایه و امکانات لازم در دسترس داشته باشد. بر این پایه می‌توان ملاک ناروا بودن در اینجا را در دسترس نداشتن سرمایه و امکانات لازم هر منطقه فراخور نیازها و استعداد رشد خودش دانست. پس این نکته‌ها چستی

تبعیض اقتصادی بین منطقه‌ای در قانون اساسی را می‌رساند. اگر به این جنبه‌ها دقت کنیم در می‌یابیم که دو رویکرد در این نگاه وجود دارد: یکی رویکرد اندازه‌گیری پیامد و دیگری رویکرد ایراد کار است که به دومی بیشتر تبعیض گفته می‌شود. اگر رویکرد ایراد کار را در نظر بگیریم و بخواهیم کارکرد برنامه‌ریزان و سیاست‌گزاران را ارزیابی کنیم، آنچه که در اختیار برنامه‌ریزان و سیاست‌گزاران است، امکانات دولتی است که در چارچوب بودجه جاری و عمرانی به استان‌ها تخصیص داده می‌شود. تخصیص درآمدهای ملی، سرمایه‌گذاری دولت برای فعالیت‌های اقتصادی و بهره‌برداری از منابع و امکانات استان‌ها که برای توزیع فعالیت‌ها نیز رخ می‌دهد با تخصیص بودجه جاری و عمرانی دولت انجام می‌شود.

بر این پایه می‌توان تبعیض اقتصادی بین منطقه‌ای در قانون اساسی را این‌گونه تعریف کرد:

تبعیض به معنی تخصیص امکانات و درآمدهای ملی به استان‌ها بدون رعایت نیازها و استعدادهای (ظرفیت‌های) استان‌ها است که بر بهره‌برداری از منابع طبیعی و توزیع فعالیت‌های اقتصادی اثر دارد.

**زیر بخش‌های شاخص سنجش تبعیض اقتصادی بین استانی**  
تا کنون شاخصی برای تبعیض با مفهوم آورده شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ساخته نشده است. برای بررسی این تبعیض ناچار به ساخت شاخص تبعیض اقتصادی بین منطقه‌ای (استانی) هستیم که این کار نوآورانه است. برای ساختن این شاخص مناسب است معیارهای تبعیض اقتصادی بین منطقه‌ای بر پایه قانون اساسی را در نظر بگیریم. این معیارها چنین هستند:

۱. استفاده از درآمدهای ملی در سطح استان‌ها به شکل جاری و سرمایه‌ای
  ۲. نیازهای استان‌ها
  ۳. استعداد رشد استان‌ها
- بر این پایه می‌توان تبعیض اقتصادی بین منطقه‌ای در قانون اساسی را با این سه معیار شاخص سازی کرد.



• نسبت هزینه‌های سرمایه‌ای دولت در هر استان به هزینه‌های سرمایه‌ای دولت در کل کشور بر ارزش افزوده هر استان به جمع کل ارزش افزوده استان‌ها از میانگین‌گیری این شش شاخص، شاخص تبعیض بر پایه ظرفیت برای هر استان به دست می‌آید. می‌توان گفت نیاز منطقه (استان) را بیکاری، بی‌سوادی و امید به زندگی (نشانگر بهداشت) می‌سازد. با توجه به داده‌های در دسترس و موجود می‌توان این ۳ متغیر را برای مشخص کردن نیاز هر استان در نظر گرفت. شاخص‌های نیاز در پژوهش ما به صورت شش شاخص زیر تعریف می‌شوند:

• نسبت هزینه‌های جاری دولت در هر استان به هزینه‌های جاری دولت در کل کشور / جمعیت بی‌سواد هر استان به کل کشور

• نسبت هزینه‌های سرمایه‌ای دولت در هر استان به هزینه‌های سرمایه‌ای دولت در کل کشور / جمعیت بی‌سواد هر استان به کل کشور

• نسبت هزینه‌های جاری دولت در هر استان به هزینه‌های جاری دولت در کل کشور / نرخ بیکاری هر استان به جمع کل نرخ بیکاری کشور

• نسبت هزینه‌های سرمایه‌ای دولت در هر استان به هزینه‌های سرمایه‌ای دولت در کل کشور / نرخ بیکاری هر استان به جمع کل نرخ بیکاری کشور

• نسبت هزینه‌های جاری دولت در هر استان به هزینه‌های جاری دولت در کل کشور / (سن امید به زندگی استان) به جمع کل (سن امید به زندگی استان‌های کشور منهای صد)

• نسبت هزینه‌های سرمایه‌ای دولت در هر استان به هزینه‌های سرمایه‌ای دولت در کل کشور / (سن امید به زندگی استان) به جمع کل (سن امید به زندگی استان‌های کشور منهای صد)

که شاخص تبعیض بر پایه نیاز با میانگین‌گیری از این ۶ شاخص به دست می‌آید.

شاخص تبعیض ترکیبی با میانگین‌گیری از دو شاخص تبعیض بر پایه ظرفیت و تبعیض بر پایه نیاز به دست می‌آید.

## الف. زیر شاخص‌های شاخص تبعیض اقتصادی بین استانی

با توجه به مفهوم ارائه شده برای تبعیض، می‌توان تبعیض را به معنی تخصیص درآمدهای ملی به استان‌ها بدون رعایت نیازها و ظرفیت‌های اقتصادی و اجتماعی دانست. این تبعیض در دو بخش تخصیص هزینه‌های جاری و نیز سرمایه‌ای می‌تواند رخ بدهد. بر این پایه نیز برای تدوین شاخص تبعیض بر پایه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌توان دو دسته شاخص داشت: یکی شاخص تخصیص بودجه بر پایه نیاز و دیگری شاخص تخصیص بودجه بر پایه ظرفیت که این شاخص‌ها ترکیبی از داده‌ها هستند.

## ب. چگونگی اندازه‌گیری زیر شاخص‌ها و شاخص تبعیض

در این پژوهش می‌توان گفت ظرفیت منطقه (استان) را نیروی انسانی آن استان، اندازه فعالیت‌هایی که در استان در حال انجام است و منابع محیطی و سرزمین آن استان می‌سازد. با توجه به داده‌های در دسترس و موجود می‌توان ۳ متغیر را برای مشخص کردن ظرفیت هر استان در نظر گرفت: یکی جمعیت، دومی اندازه فعالیت‌های اقتصادی که می‌تواند با اندازه ارزش افزوده سنجیده شود و سومی مساحت استان است.

شاخص‌های ما به صورت شش شاخص زیر تعریف می‌شوند:

• نسبت هزینه‌های جاری دولت در هر استان به هزینه‌های جاری دولت در کل کشور / جمعیت هر استان به کل کشور

• نسبت هزینه‌های سرمایه‌ای دولت در هر استان به هزینه‌های سرمایه‌ای دولت در کل کشور / به جمعیت هر استان به کل کشور

• نسبت هزینه‌های جاری دولت در هر استان به هزینه‌های جاری دولت در کل کشور / وسعت هر استان به کل کشور

• نسبت هزینه‌های سرمایه‌ای دولت در هر استان به هزینه‌های سرمایه‌ای دولت در کل کشور / وسعت هر استان به کل کشور

• نسبت هزینه‌های جاری دولت در هر استان به هزینه‌های جاری دولت در کل کشور بر ارزش افزوده هر استان به جمع

کل ارزش افزوده استان‌ها

بنابراین در این شاخص چنین در نظر گرفته شده است که هر استانی که ظرفیت رشد بیشتری دارد باید امکانات لازم به تناسب آن به آن استان داده شود و هر استانی که از نظر آموزش، بهداشت و اشتغال از استان‌های دیگر عقب‌تر است، باید به تناسب عقب‌تر بودن آن استان، به آن استان امکانات بیشتری تخصیص داده شود تا به استان‌های دیگر برسد.

### ۳.۳. متغیر سرمایه

در مدل ما متغیر  $k$  معرف سرمایه است. در آمارهای مرکز آمار و بانک مرکزی ایران به عنوان مرجع رسمی تهیه آمار کشور، موجودی سرمایه، اندازه‌گیری و آورده نمی‌شود، بنابراین ما باید موجودی سرمایه استانی را برآورد کنیم. در این بررسی، موجودی سرمایه با فرایند زیر اندازه‌گیری شده است:

۱. ارزش اعتبارات عمرانی دولت در هر استان از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۸۹ موجود است. این مقادیر را در سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۹ با هم جمع می‌کنیم تا انباشت سرمایه دولتی در هر استان تا سال ۱۳۷۹ به دست آید. سپس سهم هر استان اندازه‌گیری می‌شود. برای سال‌های دیگر نیز به همین شکل از ارزش اعتبارات عمرانی، سهم هر استان اندازه‌گیری می‌شود. چون آمار از سرمایه‌گذاری خصوصی در استان‌ها در دسترس نیست، فرض می‌کنیم برای همه سال‌ها سهم سرمایه‌گذاری خصوصی پیرو سرمایه‌گذاری دولتی است.

۲. این سهم هر استان برای سال ۱۳۷۹ را در موجودی سرمایه کل کشور در سال ۱۳۷۹ ضرب می‌کنیم تا موجودی سرمایه کل هر استان در این سال به دست آید.

۳. برای سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۸۹ افزایش موجودی سرمایه کل کشور را برای هر سال اندازه‌گیری می‌کنیم تا افزایش سرمایه برای هر سال برای کل کشور به دست آید.

۴. سهم افزایش موجودی سرمایه دولتی هر استان که برای سال‌های ۱۳۸۹-۱۳۸۰ (گام ۱) به دست آمد را در افزایش موجودی سرمایه کل کشور در آن سال ضرب می‌کنیم تا افزایش موجودی سرمایه برای هر استان در هر یک از این

سال‌ها به دست آید.

۵. در سال ۱۳۸۰ موجودی سرمایه سال ۱۳۷۹ را (که در گام ۲ به دست آمد) با افزایش موجودی سرمایه در سال ۱۳۸۰ (که در گام ۴ به دست آمد) برای هر استان جمع می‌کنیم تا موجودی سرمایه هر استان در سال ۱۳۸۰ به دست آید.

۶. برای سال‌های دیگر موجودی سرمایه سال پیش را با افزایش موجودی سرمایه در آن سال برای هر یک از استان‌ها جمع می‌کنیم تا موجودی سرمایه در آن سال برای هر استان به دست آید.

### ۴.۳. متغیر نیروی کار

تعداد نیروی کار در همه سال‌های بازه زمانی مورد نظر به طور مشخص موجود نیست. طی سال‌های ۱۳۸۲ و ۱۳۷۹ طرحی با عنوان آمارگیری از ویژگی‌های اشتغال و بیکاری و طی سال‌های ۱۳۸۶-۱۳۸۵ طرحی با نام آمارگیری از نیروی کار انجام شده است. به علت اینکه این آمارگیری‌ها با استفاده از نمونه‌گیری‌های متفاوت از کل کشور انجام شده است با هم هم‌خوانی ندارد و نمی‌توان از آنها استفاده مناسب کرد. بر این پایه ما برای تعداد نیروی کار در هر استان از نتایج آمارگیری سراسری ویژگی‌های خانوار در سال‌ها ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ استفاده کرده‌ایم و از روی آن به محاسبه نیروی کار برای سال‌های دیگر پرداخته‌ایم. برای تعیین اندازه نیروی کار استان‌ها در سال‌های مورد بررسی اقدامات زیر انجام شده است:

۱. نخست اختلاف این دو مقدار نیروی کار هر استان در سال ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ را بر ۱۰ تقسیم می‌کنیم تا افزایش نیروی کار برای هر سال محاسبه شود.

۲. سپس تعداد نیروی کار ۱۳۷۵ را با این مقدار افزایش هر استان، جمع می‌کنیم تا نیروی کار آن استان در سال ۱۳۸۵ به دست آید.

۳. برای سال‌های بعد تعداد نیروی کار سال قبل هر استان را با این مقدار افزایش جمع می‌کنیم تا نیروی کار استان در آن سال به دست آید.



جدول (۱): تبعیض بین استان‌های کشور در توزیع بودجه دولت (سال

۱۳۸۹)

شماره	نام استان	شاخص ترکیبی
۱	خراسان رضوی	۰.۹۷
۲	اردبیل	۰.۹۹
۳	اصفهان	۱.۰۴
۴	آذربایجان غربی	۱.۰۵
۵	قم	۱.۰۶
۶	خراسان جنوبی	۱.۰۷
۷	مرکزی	۱.۰۷
۸	آذربایجان شرقی	۱.۱۵
۹	قزوین	۱.۱۵
۱۰	گلستان	۱.۱۹
۱۱	زنجان	۱.۲۱
۱۲	چهارمحال و بختیاری	۱.۲۳
۱۳	همدان	۱.۲۴
۱۴	یزد	۱.۲۴
۱۵	لرستان	۱.۲۵
۱۶	سیستان و بلوچستان	۱.۲۶
۱۷	فارس	۱.۲۷
۱۸	هرمزگان	۱.۲۸
۱۹	مازندران	۱.۳۰
۲۰	ایلام	۱.۳۴
۲۱	کردستان	۱.۳۹
۲۲	سمنان	۱.۴۱
۲۳	کرمان	۱.۴۱
۲۴	کرمانشاه	۱.۴۵
۲۵	کهگیلویه و بویراحمد	۱.۴۶
۲۶	گیلان	۱.۵۵
۲۷	بوشهر	۱.۸۴
۲۸	خوزستان	۱.۹۰
۲۹	تهران	۲.۱۷

الگوی تبعیض منفی نیز استان‌های مرزی شمال و شرق و غرب زاگرس را در بر گرفته است. این استان‌ها در سال‌های اخیر از رشد بیشتری برخوردار شده‌اند. البته برخی از اینها مانند هرمزگان، فارس، خوزستان (به جز دوره جنگ)، بوشهر، کرمان و سیستان و بلوچستان در ۳۰ سال گذشته همواره رشد بهتری در برابر استان‌های دیگر داشته‌اند. در حال حاضر نیز درآمد سرانه برخی از این استان‌ها از درآمد سرانه کشور بیشتر است و باز هم به سود آنها تخصیص بیشتری داده شده است.

#### ۴. تحلیل بر تبعیض بین استان‌های کشور

بر پایه آنچه گفته شد شاخص تبعیض بین استان‌ها برای سال ۱۳۸۹ در جدول ۱ آورده شده است. اندازه‌های کمتر نشان دهنده تبعیض مستقیم یا به سخن دیگر تبعیض به زیان استان است و اندازه بیشتر این شاخص‌ها نشان دهنده تبعیض غیر مستقیم یا به سخن دیگر تبعیض به سود استان است. شاید بهتر باشد استان تهران به علت اینکه بخشی از بودجه‌های ملی به نام آن تخصیص داده می‌شود از مقایسه بین استانی خارج شود. همچنین به علت‌های تبعیض که ممکن است مشکل ساز بشود اشاره نمی‌کنیم.

این شاخص نشان می‌دهد استان‌هایی که به زیان آنها بیشترین تبعیض ترکیبی به کار برده شده است به ترتیب استان‌های خراسان رضوی، اردبیل، اصفهان، آذربایجان غربی، قم، مرکزی، خراسان جنوبی، قزوین، آذربایجان شرقی و گلستان هستند و استان‌هایی که به سود آنها بیشترین تبعیض به کار برده شده است به ترتیب استان‌های خوزستان، بوشهر، گیلان، کهگیلویه و بویراحمد، کرمانشاه، سمنان، کرمان، کردستان و ایلام هستند.

در اینجا یادآوری یک نکته دیگر هم به جمع‌بندی کمک می‌کند. برخی عوامل دیگر هم باید در اینجا ملاک باشند. مانند اینکه برخی استان‌ها موقعیت ویژه دارند. مانند استان‌های مرزی که باید برای آنها به تناسب نیازهای امنیتی و دیگر نیازها، بودجه بیشتری در نظر گرفته شود. اگر مرزی بودن استان‌ها را هم در نظر بگیریم به این نتیجه می‌رسیم که استان‌هایی مانند خراسان رضوی، اردبیل، آذربایجان غربی، خراسان جنوبی، آذربایجان شرقی و گلستان تبعیض منفی بیشتری شده‌اند.

می‌توان الگوی تبعیض در کشور را همراه سمنان، گیلان و مازندران، تبعیض مثبت به سود استان‌های جنوبی و مرزی با عراق دانست که در بر گیرنده استان‌های سیستان و بلوچستان، کرمان، هرمزگان، فارس، کهگیلویه و بویراحمد، بوشهر و خوزستان، ایلام، کرمانشاه و کردستان است.

## ۵. برآورد مدل و نتایج آن

نخست به آزمون‌های اولیه درباره داده‌ها اشاره می‌کنیم، سپس برآوردهای مدل‌ها و نتایج آنها را تحلیل می‌کنیم. چون داده‌های ما به صورت سری زمانی - مقطعی (۱۳۸۶-۱۳۸۰) است و سری زمانی آن تنها برای ۷ سال است، نیازی به بررسی مانایی و نامانایی داده‌ها نداریم.<sup>۱</sup>

برای آزمون این که مدل با بهره‌گیری از روش اثرات ثابت یا اثرات تصادفی برآورد شود از آزمون هاسمن استفاده شده است. بر پایه نتایج آزمون‌ها آلفای برآورد شده بین ۶۵٪ و ۸۹٪ است که به معنی غیرقابل پذیرش بودن روش اثرات تصادفی و پذیرش به کارگیری روش اثرات ثابت برای برآورد مدل‌ها است.

برای بررسی اثر شاخص و متغیر تبعیض اقتصادی بین منطقه‌ای بر رشد اقتصادی، این گونه کار را انجام داده‌ایم که مدل کلی رشد اقتصادی را با دو عامل اصلی کار و سرمایه برآورد می‌کنیم و سپس شاخص تبعیض اقتصادی بین منطقه‌ای و دو شاخص تبعیض اقتصادی بین منطقه‌ای بر پایه ظرفیت و نیاز را جداگانه وارد مدل می‌کنیم و تخمین می‌زنیم تا ببینیم چه اندازه بر توضیح‌دهندگی مدل افزوده‌اند. این برآوردها می‌تواند اثرگذاری شاخص تبعیض اقتصادی بین منطقه‌ای بر رشد اقتصادی را در همراهی با سرمایه و کار نشان دهد. به سخن دیگر چنانچه مدل کلی گویای اثر کار و سرمایه باشد، وارد کردن شاخص تبعیض اقتصادی بین منطقه‌ای می‌تواند نشان دهنده اثر تبعیض اقتصادی بین منطقه‌ای از مسیر بهبود یا نابسامانی در سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی و نیز پایداری اقتصادی باشد.

چنانچه بر پایه نظریه‌های رشد اقتصادی دو عامل اصلی تولید را سرمایه و کار در نظر بگیریم و عوامل دیگری مانند شاخص‌ها و متغیرهای تبعیض اقتصادی بین منطقه‌ای را به عنوان عامل اثرگذار دیگر وارد مدل کنیم، می‌توان اثر برآورد

شده را جداگانه تحلیل کرد. برای تحلیل مقایسه‌ای این متغیرها، نخست مدل رشد را بر پایه دو متغیر موجودی سرمایه و نیروی کار برآورد کردیم. نتایج در ستون دوم جدول (۲) به عنوان الگوی صفر آورده شده است. نتایج نشان می‌دهد این دو متغیر ۷۱٪ تغییرات رشد را توضیح می‌دهند. با وارد کردن شاخص ترکیبی تبعیض اقتصادی بین منطقه‌ای به این مدل (الگوی یک)، توان توضیح‌دهندگی مدل بیش از ۱۵٪ افزایش یافته است. معنای آن این است که متغیر تبعیض اقتصادی بین منطقه‌ای توضیح‌دهندگی خوبی دارد و می‌توان آن را به عنوان یک متغیر اثرگذار مهم در رشد اقتصادی در نظر گرفت. با همین فرض و استدلال، هر یک از دو شاخص تبعیض اقتصادی بین منطقه‌ای بر پایه ظرفیت و نیاز را جداگانه وارد مدل کرده‌ایم و برآورد را انجام داده‌ایم تا ببینیم از این دو متغیر، کدام اثرگذاری بیشتر و کدام اثرگذاری کمتری داشته‌اند. نتایج برآوردها در جدول (۲) با نام الگوی دو تا الگوی چهار آورده شده است. نتایج نشان می‌دهد توضیح‌دهندگی مدل‌ها بسیار نزدیک به هم است و ترجیح چندانی بین آنها ایجاد نمی‌کند. هنگامی که دو شاخص تبعیض اقتصادی بین منطقه‌ای بر پایه ظرفیت و نیاز را هم زمان در یک مدل وارد کرده‌ایم و مدل را برآورد کرده‌ایم، نتایج نشان می‌دهد که ضریب متغیر تبعیض اقتصادی بین منطقه‌ای بر پایه ظرفیت از معناداری کمتری برخوردار است (الگوی دو). برای تحلیل دقیق‌تر این دو شاخص را جداگانه در دو مدل وارد کرده‌ایم و برآورد را انجام داده‌ایم. با توجه به سطح معناداری ضرایب برآورد شده این شاخص‌ها، می‌توان گفت اثر جداگانه هر دو این شاخص‌ها نیز پذیرفته است، هر چند اثر شاخص تبعیض بر پایه نیاز معنادارتر است.

در تحلیل نتایج برآوردها می‌توان گفت در همه برآوردها، متغیرهای موجودی سرمایه و نیروی کار از سطح معناداری خوبی برخوردار هستند و چنان‌که در نتایج برآورد الگوها نشان داده شده است اثر مثبت بر رشد تولید ناخالص داخلی و رشد آن دارند. ضریب شاخص ترکیبی تبعیض اقتصادی بین منطقه‌ای معنادار و مثبت است. می‌توان این ضریب را این گونه

۱. بر پایه دانش اقتصادسنجی مانایی داده‌ها برای دوره‌های زمانی بلند مانند ۱۵ دوره و بیشتر رخ می‌دهد و بررسی مسئله ریشه واحد داشتن متغیرها برای داده‌های سری زمانی کوتاه، نیاز نیست. (Baltagi, 2005, p.248)





کدام اثر گذاری بیشتر و کدام اثر گذاری کمتری داشته‌اند. نتایج برآوردها در جدول (۳) با نام الگوی دو تا الگوی چهار آورده شده است. نتایج نشان می‌دهد توضیح‌دهندگی این مدل‌ها نیز بسیار نزدیک به هم است و ترجیح چندانی بین آنها ایجاد نمی‌کند.

در دو مدل ساده و لگاریتمی، هنگامی که دو شاخص تبعیض اقتصادی بین منطقه‌ای بر پایه ظرفیت و نیاز را هم زمان در یک مدل وارد کرده‌ایم و مدل را برآورد کرده‌ایم، نتایج نشان می‌دهد که ضریب متغیر تبعیض اقتصادی بین منطقه‌ای بر پایه ظرفیت منفی است. با توجه به تعریفی که برای این ضریب کرده‌ایم، می‌توان گفت تبعیض مثبت در این شاخص به معنی آن است که به استانی بیش از ظرفیت آن بودجه تخصیص داده شود. تبعیض منفی نیز به معنی آن است که به استان کمتر از ظرفیتش بودجه تخصیص داده شود.

تفسیر کرد که استان‌هایی که بر روی آنها تبعیض مستقیم (منفی) رخ داده است یعنی کمتر از نیاز و ظرفیت بودجه تخصیص داده شده است تولید کمتر و استان‌هایی که تبعیض مثبت (غیر مستقیم) برای آنها رخ داده است، یعنی بودجه‌ای بیشتر از ظرفیت و نیاز به آنها داده شده است تولید بیشتری داشته‌اند. برای اینکه تحلیل دقیق‌تر شود و بتوان بهتر دریافت که این نتیجه درست است، تغییرات تبعیض بر تغییرات تولید، یعنی متغیر رشد را نیز وارد آزمون کرده‌ایم. نتایج آن در جدول (۳) آورده شده است. این نتایج نشان می‌دهد تغییرات تبعیض نیز بر تغییرات تولید (رشد تولید) اثراتی مانند خود تبعیض دارد. یعنی افزایش تبعیض منفی، رشد را کاهش و افزایش تبعیض مثبت، رشد را افزایش می‌دهد. با فرض و استدلال بالا در این مدل نیز دو شاخص تبعیض اقتصادی بین منطقه‌ای بر پایه ظرفیت و نیاز را جداگانه به عنوان دو متغیر وارد مدل کرده‌ایم و برآورد را انجام داده‌ایم تا ببینیم از این دو متغیر،

جدول (۲): نتایج برآورد مدل‌ها برای اثر تبعیض بر GDP

الگوی چهار	الگوی سه	الگوی دو	الگوی یک	الگوی صفر	متغیر
GDP	GDP	GDP	GDP	GDP	
-3.70E+08 (-15.50985)	-4.29E+08 (-19.92788)	-4.14E+08 (-17.43773)	-3.88E+08 (-17.35637)	-34243660 (-4.665619)	عرض از مبدأ
507899.2 (27.31945)	536513.3 (29.42843)	536053.3 (29.49221)	517663.6 (27.75053)	120079.4 (18.76675)	نیروی کار (L)
815.2857 (2.669065)	666.8064 (2.286656)	680.0438 (2.338440)	709.7885 (2.339250)	306.5101 (2.257)	سرمایه استانی (K)
23116077 (2.088480)		-19948942 (-1.580605)			شاخص تبعیض بر پایه ظرفیت
	77728000 (6.151670)	9115211 (6.000246)			شاخص تبعیض بر پایه نیاز
			40902838 (3.439813)		شاخص تبعیض ترکیبی
					لگاریتم نیروی کار LOG(L)
					لگاریتم سرمایه استانی LOG(K)
					لگاریتم شاخص تبعیض بر پایه ظرفیت
					لگاریتم شاخص تبعیض بر پایه نیاز
					لگاریتم شاخص تبعیض ترکیبی
0.956404	0.961815	0.962215	0.957687	0.7147	R <sup>2</sup>
129.4881	153.0667	150.2460	133.5936	61.95	آماره F
0.493208	0.594747	0.607622	0.528331	0.093	آماره D-W

جدول (۳): نتایج برآورد مدل‌ها برای درصد تغییرات رشد به ازای درصد تغییرات تبعیض

الگوی چهار	الگوی سه	الگوی دو	الگوی یک	
LOG(GDP)	LOG(GDP)	LOG(GDP)	LOG(GDP)	متغیر
-9.438611	-9.831921	-9.202842	-9.591404	عرض از مبدأ
-13.25558	-13.66345	-12.68802	(-13.44004)	نیروی کار (L)
				سرمایه استانی (K)
				شاخص تبعیض بر پایه ظرفیت
				شاخص تبعیض بر پایه نیاز
				شاخص تبعیض ترکیبی
1.069818	0.866710	0.829162	1.057701	لگاریتم نیروی کار LOG(L)
4.555984	3.628945	3.548674	4.471503	
1.896138	2.035586	2.024179	1.908202	لگاریتم سرمایه استانی LOG(K)
12.71180	13.36838	13.59890	(12.71887)	
-0.297704		-0.709257		لگاریتم شاخص تبعیض بر پایه ظرفیت
-1.938562		-3.543223		
	0.104005	0.497290		لگاریتم شاخص تبعیض بر پایه نیاز
	0.808851	2.965941		
			0.000105	لگاریتم شاخص تبعیض ترکیبی
			(9.439854)	
0.949640	0.951049	0.953435	0.948957	R <sup>2</sup>
147.9107	159.3153	161.8226	145.8247	آماره F
0.580903	0.463591	0.540809	0.559086	آماره D-W

ماخذ: محاسبات تحقیق

همچنین می‌توان این برداشت را کرد که یکی از موانع رشد در استان‌ها کمبودهایی است که در اینجا در چارچوب نیاز وارد مدل کرده‌ایم.

## ۶. جمع‌بندی

برای دست‌یابی به جامعه آرمانی قانون اساسی باید تبعیض را برطرف کنیم. قانون اساسی برای دست‌یابی به عدالت و رشد بیشتر، حکم به برطرف کردن و جلوگیری از تبعیض داده است. بررسی‌های نظری نشان می‌دهد که تبعیض می‌تواند رشد را کاهش دهد. برآوردهای تجربی ما نیز نشان می‌دهند شاخص ترکیبی تبعیض با رشد رابطه منفی دارد. این به معنی آن است که تخصیص بودجه به استان‌ها بر خلاف مسیر نیازها و ظرفیت‌ها (که معنای تبعیض بین منطقه‌ای در قانون اساسی است) از مسیر اثرگذاری بر سرمایه انسانی و اجتماعی و نیز کاهش بازدهی نسبت به مقیاس و مانند اینها رشد اقتصادی را کاهش می‌دهد. همچنین تبعیض بر پایه نیاز، یعنی نادیده

منفی بودن شاخص به معنی آن است که جوهی که بدون توجه و بیش از ظرفیت به استان داده می‌شود تولید و رشد تولید استان را افزایش نمی‌دهد، بلکه به علت کمتر بودن ظرفیت استان نسبت به بودجه تخصیص داده شده و نیز ناتوانی در جذب، که همان کاهش بازدهی نسبت به مقیاس و در کنار آن اثرهای انسانی و اجتماعی دیگر است، ناکارایی‌ها را افزایش می‌دهد و تولید و رشد را کاهش می‌دهد.

در برابر این، شاخص تبعیض اقتصادی بین منطقه‌ای بر پایه نیاز مثبت است و به معنی آن است که اگر نیازها بیشتر جبران شود در تولید اثر مثبت دارد. معنای دیگر آن می‌تواند این باشد که شاخص‌های نیاز بیشتر نشان‌دهنده کمبودهای سرمایه انسانی بیشتر است و تخصیص این بودجه‌ها می‌تواند این کمبودها را برطرف کند و این سرمایه را افزایش دهد. در کنار آن، افزایش این تخصیص‌ها می‌تواند نشانه‌های رفع تبعیض باشد که نزد مردم اعتماد و آرامش بیشتر فراهم می‌کند و در نتیجه، سرمایه اجتماعی را افزایش می‌دهد. از این نتیجه



اساسی و یا توانمند سازی انسانی آمارتیا سن مطرح شده و در شاخص‌های دو سال گذشته توسعه انسانی ملل متحد نیز وارد شده است.

بر این پایه باید برای برطرف کردن تبعیض منجر به رشد در ایران، نخست نیازهای انسانی ملاک توزیع و تخصیص بودجه‌ها بین استان‌ها و مناطق قرار گیرد و پس از برطرف شدن نسبی این نیازها، ظرفیت‌ها ملاک تخصیص قرار گیرند. این مسیر با عدالت همراه رشد خواسته شده در قانون اساسی سازگارتر است که با آخرین نظریه‌های رشد نیز هماهنگ است.

گرفتن نیازها در تخصیص بودجه استانی، برای رشد اهمیت بیشتری دارد و برای بهبود رشد باید نخست نیازها برطرف شود. حتی می‌توان گفت اگر تخصیص بودجه نسبت به نیازها بیشتر هم باشد تا زمانی که برابری در رفع نیازها رخ بدهد رشد اقتصادی و افزایش تولید سرعت می‌گیرد. می‌توان از این نتیجه این برداشت را هم داشت که رشد تولید در استان‌ها نسبت به نیازهای انسانی بسیار حساس‌تر از ظرفیت‌ها است. این نتیجه با آخرین نظریه‌ها و یافته‌های دانش توسعه که توانمندسازی و رفع نیازها را برای دستیابی به توسعه مهم‌تر می‌داند نیز هماهنگ است. دیدگاه‌هایی که نخست با نظریه توسعه انسانی جمال‌الحق و در سال‌های گذشته رفع نیازهای

#### منابع:

Aghajani, N. (2010), "Feminism Challenges to Gender Justice", *Journal of Women Strategic Studies*, 46, pp. 1-31.

Ahmadvand, M.A. (2004), "Impact of Education on Changing the Structure of Sex Discrimination Schemata", *Journal of Clinical Psychology & Personality*, 1, pp. 15-24

Alam, A. (2011), "Impact of Gender Discrimination on Gender, Development and Poverty Alleviation", *Sarhad Journal of Agriculture*, 27(2), pp.329-339.

Alvani, S.M., Shirvani, A.R. (2004), "Social Capital: Development Principle", *Journal of Tadbir*, 147, pp. 16-22.

Badse, C. (2006), "Common Measures for Discrimination: Recommendations for Improving the Measurement of Discrimination", *The Norwegian Equality and Anti-discrimination Ombud and Danish Institute of Human Rights*.

Barati Nia, M. (2000), "Impact of European Union Rights about Man and Woman labor Discrimination on British Labor Rights", *Journal of International Law Review*, 25, pp. 147-160.

Barro, R.J. and Rachel M.M. (2003), "Religion and Economic Growth", *American Sociological*

*Review*, 68, pp. 760-781.

Becker, Gary S. (1957), "The Economics of Discrimination", Chicago: University of Chicago Press.

Bourdieu, P. (2003), "Forms of Capital", Translated by Poyan and Khakbaz, Tehran: Shirazeh Publications.

Charles, K.K., and Jonathan G. (2007), "Prejudice and the Economics of Discrimination", Working Paper No. 13661, NBER, Cambridge, MA.

Dini Torkamani, A. (2006), "Explanation of Social Capital Decline", *Journal of Social Welfare*, 23, pp. 147-171.

Dollar, D. and Gatti, R. (1999), "Gender Inequality, Income, and Growth: Are Good Times Good for Women?", *The World Bank Development Research Group/ Poverty Reduction and Economic Management Network, Policy Research Report on Gender and Development Working Paper Series, No.1*.

Durlauf, S.N., Kourtel, A. and Tan, C.M. (2005), "How Robust are the Linkages between Religiosity and Economic Growth?", *Journal of Economic Behavior & Organization*, 51, pp. 249-260.

Ellen, A.E., Elisa J.G. and Stewart I.D. (2001), "Effects of Perceived Discrimination on Job Satisfaction, Organizational Commitment, Organizational Citizenship Behavior and Grievances", *Human Resource Development Quarterly*, 12(1), pp. 53–72

Esteve-Volart, B. (2004), "Gender Discrimination and Growth: Theory and Evidence from India", DEDPS 42 January 2004.

Fokoohi, N. (2005), "Positive Discrimination as a Mechanism against Deprivation", *Journal of Women in Development & Politics*, 3, pp.115-142.

ILO, (2007), "Equality at work: Tackling the challenges", Global Report under the follow-up to the ILO Declaration on Fundamental Principles and Rights at Work, Report I (B). 96th Session.

Gorji, E. and Madani, A. (2010), "Dynamic Macroeconomics (Growth Theories)", Tehran: Samt Publications.

Grier, R. (1997), "The Effect of Religion on Economic Development: A Cross National Study of 63 Former Colonies", *Kyklos*, 50(1), pp. 47-61.

Guiso, L., Sapienza, P. and Zingales, L. (2003), "People's Opium? Religion and Economic Attitudes", *Journal of Monetary Economics*, 50(1), pp. 225-282.

Ja'fari, H. (2010), "Women and the Right of Having Social Positions (The Study of Some Part of the Issue B Article 7 of Convention of Removing Discrimination Against Women)", *Journal of Shiite women*, 19, pp. 129-160.

Kazemi, A. and Mohseni Ahoee, E. (2008), "Age Discrimination: An Appraisal of Prosperity Discourse of Cultural Policy in Identification of Urban Youth", *Journal of Social Sciences*, 16(1), pp. 23-54.

Khani, F. and Mardani, M. (2006), "Developing and Human and Gender Poverty Indices", *Journal of Women Researches*, 6(4), pp. 75-108.

Klasen, S. (1999), "Does Gender Inequality Reduce Growth and Development? Evidence

from Cross-Country Regressions", the World Bank Development Research Group/ Poverty Reduction and Economic Management Network, Policy Research Report on Gender and Development Working Paper Series, No. 7.

Mahmoudi, S.A. (2009), "Tyranny of the Majority and the Rights of Minorities in Liberal Democracy", *Journal of Political Quarterly*, 2, pp. 281-300.

Messner, S.F. (1989), "Economic Discrimination and Societal Homicide Rates: Further Evidence on the Cost of Inequality", *American Sociological Review*, 54(4), pp. 597-611.

Montalvoa, J.G. and Reynal-Querol, M. (2005), "Ethnic Diversity and Economic Development", *Journal of Development Economics*, 76, pp. 293–323.

Movassaghi, S.A. and Esfandiari, G. (2008), "Human Trafficking, Slavery in the New Age", *Journal of Political Quarterly*, 7, pp. 287-311.

Nasiri, M. (2005), "Poverty and Discrimination", *Journal of Political & Economic Ettelaat*, 212, pp. 186-195.

Ozer, G. and Mehmet G. (2010), "The Effects of Discrimination Perception and Job Satisfaction on Turkish Public Accountants' Turnover Intention", *African Journal of Business Management*, 4(8), pp. 1500-1509.

Piazza, J.A. (2011), "Poverty, Minority Economic Discrimination and Domestic Terrorism", *Journal of Peace Research*, 48(3), pp. 339-353 .

Putnam, R. (2002), "Social Capital", Translated by Khakbaz & Poyan, Tehran: Shirazeh Publications.

Rupasingha, A. and Chilton J.b. (2009), "Religious Adherence and County Economic Growth in the US", *Journal of Economic Behavior & Organization*, 72, pp. 438–450.

Sardarnia, K., Ghodrati, H. and Islam, A.R. (2009), "Impact of Good Governance and Social Capital on Political Trust", *Journal of Political*



Sciences, 1, pp. 135-165.

Seidaee, S.E., Ahmadi Shapour Abadi, M.A. and Moeen Abadi, H. (2010), "Social Capital and its Relations to Social Development Elements in Iran: An Introduction", *Journal of Development Strategy*, 19, pp. 188-225.

Share Poor, M. (2006), "Concept Making, Measuring and Implication of Policy Making",

*Management & Planning Org. of Mazandaran.*

Sharifi Tarazkouhi, H. and Gharebaghi, A. (2010), "Analyzing the Principle of Non-Discrimination in Relation to Minorities under International Law", *Journal of International Law Review*, 42, pp. 31-63.

Soleimani, F. (2007), "Justice in Creation", *Journal of Meshkat o nor*, 34, pp. 40-70.

